

اعلامیه مطبوعاتی

کودکان جهان؛ میان ارقام آمارها و واقعیت رنجها

(ترجمه)

گزارش سازمان ملل در مورد کودکان و منازعات مسلحانه اشاره می‌کند که سال ۲۰۲۵ م شاهد بلندترین رقم قربانیان کودک در منازعات مسلحانه طی سی سال گذشته بوده است؛ چنان‌که ۳۸,۵۵۸ مورد نقض شدید علیه کودکان ثبت گردیده است. شمار کودکانی که از این نقض‌ها متأثر شده‌اند، به ۲۴,۱۷۴ کودک رسیده که بخش بزرگی از آنان را دختران تشکیل می‌دهند. این نقض‌ها شامل قتل و معلول‌سازی، خشونت جنسی، استخدام اجباری، اختطاف، ممانعت از رسیدن کمک‌های بشردوستانه و حمله بر مکاتب و شفاخانه‌ها بوده است. بر اساس این گزارش، بیشترین موارد نقض در فلسطین، سومالیا، نایجریا، جمهوری دموکراتیک کانگو و میانمار متمرکز بوده است. این ارقام، حجم رنج‌هایی را بازتاب می‌دهد که کودکان در مناطق جنگی با آن روبه‌رو اند و بر ضرورت فوری تقویت حمایت از آنان و تضمین رعایت حقوق اساسی‌شان تأکید می‌کند.

آمارها و گزارش‌های بین‌المللی پی‌درپی واقعیت کودکان را در مناطق جنگی و بحران‌های انسانی رصد می‌کنند و ارقام تکان‌دهنده‌ای را آشکار می‌سازند؛ ارقامی که تنها بخش اندکی از فاجعه حقیقی را نشان می‌دهد؛ فاجعه‌ای که میلیون‌ها کودک در سراسر جهان با آن زندگی می‌کنند. کودکانی که از گرسنگی و سوء‌تغذیه رنج می‌برند، میلیون‌ها کودک دیگری که از آموزش، خدمات صحی، امنیت و ثبات محروم گردیده‌اند، و شمار رو به افزایش قربانیانی که در اثر جنگ‌ها و نسل‌کشی‌های سازمان‌یافته جان باخته‌اند. با هر گزارش تازه، همان پرسش‌های همیشگی دوباره زنده می‌شود: مسئول این فاجعه‌ها کیست؟ و چه کسی از تداوم آن سود می‌برد؟

اسناد و میثاق‌های بین‌المللی بر مجموعه‌ای از حقوق اساسی کودک تأکید کرده‌اند؛ در صدر آن‌ها حق زندگی، بقا و رشد، حق آموزش، صحت، مراقبت و حمایت در برابر خشونت، بهره‌کشی و تبعیض قرار دارد. کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ م از سوی سازمان ملل متحد صادر شد، از برجسته‌ترین اسناد بین‌المللی است که این حقوق را تأیید کرده و دولت‌های امضاکننده را مکلف ساخته است تا تدابیر لازم را برای تضمین مصلحت برتر کودک و حمایت از او در زمان صلح و جنگ روی دست گیرند.

اما این نصوص در برابر منافع دولت‌های بزرگ، همچنان مرکب بر کاغذ باقی مانده است؛ زیرا واقعیت دردناک کودکان، شکاف عمیقی را میان نصوص قانونی و عملکرد عملی آشکار می‌سازد. حقوقی که در میثاق‌ها و توافق‌نامه‌ها آمده، به شعارهای دروغین و فریبنده‌ای تبدیل شده که از عدالت و بازخواست تبری است. در حالی‌که منابع ملت‌ها به یغما می‌رود، جنگ‌ها شعله‌ور می‌گردد، تحریم‌ها تحمیل می‌شود و نظام‌های سرکوبگر و اشغالگر حمایت می‌گردند، در مقابل، آمارها و گزارش‌های حقوقی سرازیر می‌شود که پیامدهای این جنایت‌ها را ثبت می‌کنند، بی‌آن‌که به اسباب حقیقی آن نزدیک شود؛ گویی از جهان خواسته شده است که به تماشای قربانیان عادت کند و به شمارش آنان بسنده نماید، نه به نجات‌شان!

فاجعه حقیقی در نبود قوانین و توافق‌نامه‌ها نهفته نیست؛ بلکه در سلطه یک منظومه بین‌المللی گزینشی نهفته است که قوانین را بر ضعیفان تطبیق می‌کند و هرگاه با منافع قدرتمندان در تضاد قرار گیرد، آن را نادیده می‌گیرد.

آنچه امروز بر کودکان جهان می‌گذرد، صرفاً یک خلل گذرا در نظام بین‌الملل نیست؛ بلکه نتیجه مستقیم ساختار جهانی‌ای است که بر سلطه سیاسی، بهره‌کشی اقتصادی و به اطاعت کشاندن ملت‌ها در برابر منافع قدرت‌های بزرگ استوار است. نظام سرمایه‌داری جهانی، از آغاز پیدایش خویش، منظومه‌هایی از استعمار، اشغال، جنگ‌ها و چپاول ثروت‌ها را تولید کرده است؛ سپس در همان حال، خود را حامی انسانیت و پاسدار حقوق بشر معرفی نموده است!

کودکان آسیب‌پذیرترین و متأثرترین قشر در برابر جنگ‌ها و کشمکش‌هایی اند که هنوز در نقاط مختلف زمین شعله‌ور است؛ جنگ‌هایی که جدا از سیاست‌های دولت‌های بزرگ و رژیم‌های استعماری به وجود نمی‌آید؛ رژیم‌هایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شعله‌ور ساختن و تداوم این نزاع‌ها نقش دارند و از ادامه آن، از نگاه سیاسی یا اقتصادی سود می‌برند.

در حالی که جنایت‌ها مستندسازی می‌شود و قربانیان شمارش می‌گردند، کودکان همچنان زیر بمباران، گرسنگی، محاصره و آوارگی باقی می‌مانند؛ صحنه‌ای که ناتوانی نظام بین‌الملل را از فراهم ساختن حمایت واقعی‌ای که مدعی التزام به آن است، آشکار می‌سازد.

هر سال نهادها و سازمان‌های بین‌المللی ده‌ها گزارش را منتشر می‌کنند که حجم فاجعه انسانی را مستندسازی می‌نمایند؛ در حالی که اسباب حقیقی این فاجعه‌ها بدون هیچ درمان ریشه‌ای همچنان ادامه دارد.

از همین رو، ارقام قربانیان تنها ناکامی نهادهای انسانی را نشان نمی‌دهد؛ نهادهایی که در بسیاری از موارد به پوشش اخلاقی‌ای تبدیل شده‌اند که به نظام بین‌الملل سیمای انسانی می‌بخشد و چهره سخت‌تر و وحشیانه‌تر آن را پنهان می‌کند؛ بلکه این ارقام فساد این منظومه بین‌المللی و ورشکستگی الگوی سیاسی‌ای را نیز آشکار می‌سازد که امروز بر جهان حاکم است؛ الگویی که سود را بالاتر از انسان، قدرت را بالاتر از عدالت و منفعت را بالاتر از کرامت بشری قرار داده است.

کودکان جهان بیش از آن‌که به آمارهای بیشتر نیاز داشته باشند، به پایان یافتن اسبابی نیاز دارند که این آمارها را تولید می‌کند. آنان به شعارهای بیشتر نیاز ندارند؛ بلکه به عدالت حقیقی نیاز دارند؛ عدالتی که جنگ‌ها، بهره‌کشی، اشغال، گرسنه‌سازی و به حاشیه‌راندن را متوقف سازد.

در پایان، تأکید می‌کنیم که نجات کودکان از طریق همین منظومه سرمایه‌داری‌ای که در ساختن فاجعه آن سهم داشته، تحقق نمی‌یابد؛ بلکه تنها از طریق برپایی عدالت حقیقی‌ای تحقق می‌یابد که کرامت و حقوق انسان را به اعتبار انسان بودن او، پیش از هر اعتبار دیگر، حفظ می‌کند. منتهی که الله سبحانه و تعالی برای بشریت پسندیده است، یگانه منتهی است که توانایی تأسیس نظامی را دارد که بر عدالت، رحمت و تضمین حقوق استوار باشد و از منطق سلطه و بهره‌کشی به دور بماند. کودکان صرفاً ارقامی در گزارش‌های بین‌المللی نیستند؛ بلکه جزء جدایی‌ناپذیر همه بشریت اند، و اصلاح آینده آنان با تغییر این واقعیت فاجعه‌بار انسانی و برپایی نظام عادلانه پیوند دارد که حقوق همگان را حفظ و کرامت‌شان را پاسداری کند؛ و آن، نظام اسلام است؛ نظامی که الله سبحانه و تعالی آن را برای ما پسندیده است تا در سایه آن به آرامش دست یابیم و در دنیا و آخرت سعادت‌مند گردیم. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: 3]

ترجمه: امروز دین شما را برای‌تان کامل ساختم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به حیث دین برای شما پسندیدم.

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر - بخش زنان

شماره صدور: 1448 هـ / 005

12 محرم سال 1448 هـ.ق.

27 جون سال 2026 م.

مترجم: محمد مزمل